



خانه دوست داشتنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان	خانه دوست داشتنی
موضوع	نشانه های خانواده سالم
مخاطب	نوجوان (راهنمایی)
قالب های بکار گرفته شده	تمثیل؛ داستان، جدول
تهیه و تدوین	دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ معاونت فرهنگی و تبلیغی
تنظیم و ارائه	سایت راه تربیت؛ www.tarbiat.net

خانه دوست داشتنی

موضوع درس:

آشنایی با ویژگیهای خانواده آرمانی و مطلوب

هدف گذاری:

- مربی محترم: در روزگار ما همه از خانواده می گویند و دغدغه خانواده را دارند. جامعه شناسان حلقه شکل گیری بنیان جامعه را خانواده می دانند. روانشناسان ریشه حالا انسانها را در خانواده جستجو می کنند. دانشمندان تربیت، نقطه عزیمت تربیت می دانند. به راستی چگونه می توان شالوده خانواده را محکم کرد؟ در این درس اولاً با تبیین خانواده آرمانی ذائقه و افق دید نوجوان را از نگاه سطحی به سمت نگار آینده ساز و آینده ساز ارتقاء داده و ثالثاً برای رسیدن به این چنین خانواده های مهربان، آرام، جمع و با احساس وظیفه های نوجوان که احترام به اعضای خانواده است، به او تفهیم شود.
- در این درس سعی شده احکام مربوط در ضمن درس گفته شود.
 - از آنجا که توجه به جریان سازی های پرورش فصل عمده و نویی در این ره توشه است، عنایت ویژه ای به بخش نهایی این درس به عنوان «جریان سازی پرورشی» داشته باشد.
 - در این درس سعی شده تا بحث به صورت گفتگوی دو طرفه مطرح گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

داستان:

مادر رو به پدر می گوید: از فردا روزه بگیریم، قبل از جواب پدر، پسر کوچک از مادر سؤال می کند فردا که ماه مبارک رمضان شروع نمی شود پس چرا می خواهید روزه بگیرید مادر به پسر نگاه می کند تبسمی می زند و جواب پسر کم فدای تو شوم آن زمان که تو و برادرت مریض بودید، پدربزرگ شما به خانه ما آمد و به من و پدرت گفت که برای اینکه بچه ها حالشان خوب شود بهتر است که نذری^۱ بکنید ما هم نذر کردیم که خداوند حال شما را خوب کند و ما هم سه روز، روزه بگیریم، الان هم که حالتان خوب شده، پدر پیشنهاد مادر را قبول می کند و تصمیم می گیرند که فردا روزه بگیرند در این حال دو پسر که تازه حالشان خوب شده رو به پدر و مادر می کنند و می گویند: اجازه می دهید ما هم به مانند شما روزه بگیریم، مادر بچه ها را در آغوش می گیرد و می گوید: آخر تازه حالتان خوب شد نگاه بچه ها به مادر نشان از خواهش آنهاست که لطفاً اجازه بدهید، بالاخره پدر و مادر موافقت می کند.

هوا گرم بود برای پدر و مادر روز پر کاری هم بود...^۲ بالاخره خورشید خانم تصمیم می گیرد که جای خودش را با جناب آقای ماه عوض کند، سفره افطار پهن شد به به، پدر و مادر دو تا پسرها دور سفره افطاری نشستند^۳ غذای روی سفره هم آب بود و نان جو هر چهار نفر خوشحالند که توانستند یک روز، روزه خودشان را بگیرند، «بسم الله الرحمن الرحيم» همین که لقمه نزدیک دهان شد، تق تق صدای کوبیدن در آمد. (دوستای من اون زمان آیفون که نبود که صدای آن کسی که پشت در است را بشنود یا قیافه او را ببیند، شب هم بود، بخاطر همین) پدر رفت تا ببیند چه کسی است، بعد از مدت کوتاهی پدر برگشت و رو به بقیه اعضای خانواده گفت: یک فقیری د است و می گوید که گرسنه است من غذای خودم را می خوام به او بدهم، مادر به پدر گفت غذای من را لطفاً ببرید و به او بدهید، دو تا پسرها هم گفتند بابا لطفاً غذای ما را هم به او بدهید پدر لبخند به لب و خوشحال از این کار مادر و دو تا پسرهای خودش، نان هر چهار نفر را برداشت و به آن فقیر داد و برگشت سر سفره، آن شب هر چهار نفر با آب فقط افطار کردند، تازه قرار بود که فردا هم روزه بگیرن چون با خدا پیمان بسته بودند که تا سه روز روزه بگیرند.

روز دوم دیگر فقط گرمی هوا نبود که تحمل باید می شد بلکه گرسنگی دو روز هم بود. بالاخره اذان گفت و نماز خواندن و سفره پهن شد، راستش سفره امشب هم مثل سفره دیشب فقط آب و نان جو رویش بود ولی خوشحالی و رضایت توی هشت تا چشمها معلوم بود امشب همین که مادر نان را بر سر سفره آورد دوباره صدای کوبیدن در را

۱. مربی محترم می توان به عنوان سؤال از دانش آموزان تعریف نذر و احکام مربوط به آن را که - بچه ها اصلاً کی می داند نذر یعنی چه؟ و چه شرایطی دارد؟

مسأله - نذر آن است که انسان مستلزم شود برای خدا بر عهده او باشد انجام کار خیری یا ترک که نکردن آن بهتر است یا مستلزم شود به اینکه مالی از اموال او ملک دیگری باشد.

مسأله - نذر کننده باید مکلف و عاقل باشد و به اختیار و قصد خود نذر کند.

۲. مربی محترم می تواند به فعالیتهای حضرت زهراء (فعالیت های علمی و پاسخ گویی به شبهات و سؤالات مکه و مدینه) و حضرت امیرالمؤمنان (کنندن چاه اطراف مدینه و پیوند زدن در ختان خرما) البته بدون نام بردن از آنها.

۳. بچه به نظر شما سر سفره افطاری چه چیزی بود؟ (دانش آموزان حدس می زنند و مربی ادامه داستان را می دهد و یا احکام مربوط به افطار و خوردن افطار را مطرح نماید.

شنیدیم پسرها به هم می‌گویند: چه کسی می‌توان باشد. بعضی فکر می‌کنند شاید پدر بزرگشون آمده باشد ولی بابا که رفت در را باز کند یک کمی طول کشید بعد برگشت غذای خودش را برد مادر صدایش کرد: آقا چی شده؟ پدر گفت: بنده خدایی اونده که پدر ندارد، گرسنه است غذایی هم ندارد غذای خودم را به او می‌دهم و بر می‌گردم. مادر گفت: آقای مهربونم: غذای من رو هم به آن یتیم بدهید. بچه‌ها گرسنه بودند ولی گفتند آن بیچاره که پدر و مادر ندارد و کسی رو هم ندارد که کمکش کندف داداش بزرگ غذای هر دو تا پسرها را برداشت به بابا داد و گفت این‌ها را به او لطفاً بدهید. پدر دستی به سر بچه‌ خودش کشید گفت: آفرین و هر چهار تکه نان را رفت و به آن یتیم داد. دوستای من سرتان را درد نیاورم بالاخره نظر کرده بودند کهسه روز، روزه بگیرند. دو روز بود که فقط آب می‌خوردند و غذایی نداشتند که بخورند. روز سوم افطار بازم یکی در زد این دفعه یک اسیری اومده بود باز هم هر چهار نفری غذای خودشون رو به او می‌دهند.

حالا بچه‌های یک سؤال بپرسم؟ چه کسی می‌تواند بگوید اسم پدر بزرگ چی بود؟

آفرین! حضرت محمد مصطفی (صل‌الله‌علیه) و اون پدر اسم (بچه‌ها شروع می‌کنند به گفتن)... درسته حضرت علی (علیه السلام) مادر، مادر... حضرت زهراء (سلام الله علیها) و اون آقا پسرها... امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام)

قصه ما به سر رسید ولی یک چیز هنوز مونده. اگر گفتید اون چیه؟ از این داستان چه چیزی متوجه شدید؟



هر یک از دانش‌آموزان برداشت خود را می‌گوید مثل کمک کردن خوبه و از این قبیل. مربی می‌گوید: من از این داستان یک چیز دیگه هم متوجه می‌شوم و نقاشی یک خانه را خیلی ساده می‌کشد.

مربی ادامه می‌دهد، از این قصه واقعی که حتی آیه قرآن هم در موردش آمده سوره انسان *آیه ۸ که می‌فرماید: «و يطعمون الطعام علی حبه مشکیناً و یتیماً و اسیراً». بر روی تخته مقابل آن خانه می‌نویسد:

یک خانواده = مهربان

(مربی اشاره می‌کند که اعضای خانواده)

یک خانواده = آرام

(مربی اشاره می‌کند که اعضای خانواده دعوا ندارند پدر خانواده یک کار همه به حرفه‌ای از گوش می‌دهند)

یک خانواده = جمع

(مربی اشاره می‌کند به پراکندگی فعلی)

یک خانواده = با احساس

(مربی اشاره می‌کند که نسبت به جامعه خود احساس)

به نظر شما تو به خونه چه چیزی لازم است؟

در واقع مربی با این سؤال می‌خواهد یکی از رموز تشکیل خانواده‌ای مهربان، آرام، جمع و با احساس را بگوید. هر یک از دانش‌آموزان و سیله‌ای را نام می‌برد؛ تلویزیون، یخچال،... و یا حتی قسمتی از خانه مثل دستشویی، حمام، آشپزخانه و یا حتی نفرات خانه مثل: پدر یا مادر... را ممکن است حدس بزنند.

جدول

مربی: کسی که رمز جدول را درست حدس بزند، به نظر من اون یکی از چیزهای خیلی مهم است که خانواده و خانه به او نیاز دارند. (در حین صحبت، مربی محترم همان خانه‌ای را که کشیده بود به ۱۳ قسمت تقسیم می‌نماید.)

سؤالات

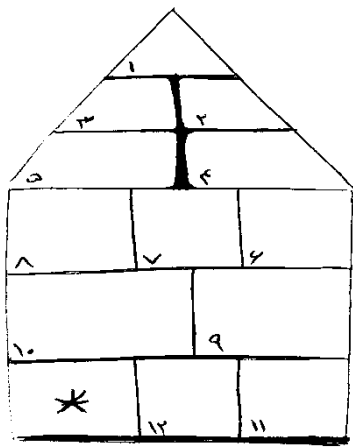
اول: هنگام روز نباید تماشای در آب فرو کنید. «سر» شماره‌های ۴ و ۱۰

دوم: بجای وضو و غسل باید انجامش دهیم «تیمم» شماره‌های ۱ و ۷

سوم: در نماز هست ولی در غسل نیست «الف» شماره ۱

چهارم: هم بر پسر واجبیه هم بر دختر «حجاب» شماره‌های ۳ و ۹

پنجم: حرف پانزدهم الفبای زبان انگلیسی «ا» شماره ۸



اکنون حرف اول را نوشته سپس پنج خانه پنج خانه بشمارید. حرف‌ها را کنار هم قرار دهید تا به رمز جدول برسید. همانطوری که به دست آوردید

«احترام»

رمز جدول ما «احترام» شد ولی احترام به چه کسی؟

پدر مادر برادر خواهر

(مربی بعضی از مصادیق احترام مثل سلام کردن، حرف گوش دادن، دعوا نکردن و... را توضیح می‌دهد و در ادامه به پدر و مادر توجه بیشتری می‌کند.)

اصلاً خبر دارید که در کتاب قرآن ما هم به این نکته اشاره شده؟

«بسم الله الرحمن الرحيم* و وصینا الانسن بوالديه احساناً؛ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند.

مربی محترم سختی‌هایی که پدر و مادر برای بزرگ شدن دانش‌آموزان متعدد می‌کشد اشاره می‌نماید و به راه حلی که ما فعلاً بتوانیم آن را جبران کنیم «احترام» است.

دعا:

حالا چندتا دعا می کنم دوست دارم همه بلند آمین بگین.
دوباره یک چیزی یادم آمد، اجازه هست قبل از دعا کردن آن را بگوییم، هر موقع که امام باقر(ع) یک مشکلی برای
شان به وجود می آمد، زنان و خانواده را جمع می کرد و خودشان دعا می خوانند و بقیه آمین می گفتند.^۴ حالا برویم
سراغ دعا:

خدایا! خانواده ما را آرام، مهربان، جمع و با احساس قرار بده! آمین
خدایا! احترام کردن به دیگران را به من یاد بده! آمین
خدایا! رهبر معظم انقلاب و خدمتگزاران به انقلاب اسلامی ایران را کمک بفرما! آمین
خدایا! ظهور امام زمان ما را نزدیک گردان! آمین

جریان سازی پرورشی:

- همایش خانواده

مربی محترم می تواند با برگزاری این همایش که توسط خود دانش آموزان اداره می شود، تشکری عملی از پدران و
مادران داشته باشد و در موارد مکان، زمان، پذیرایی به قدر ممکن، بسنده نماید و این مشکلات مانع از برقرار و برگزاری
چنین همایشی نگردد.

- بازدید از آسایشگاه

دیدن پیرمردان و زنان سالخورده و ناتوانی آنها و اینکه این قاعده روزگار است که جوانان، پیر می شوند، به دانش آموزان
می تواند این را القاء نماید که حدیث:

- اینترنت (تحقیق)

پیدا کردن آیه، یا حدیثی و یا حکایتی در مورد احترام به پدر و مادر و نوشتن نظرات و افکار خود در مورد مطالب بدست
آورده، دانش آموزان هم در مورد تحقیق پویا می گرداند و هم فکر کردن و همچنین

- نقاشی کردن یک خانه

مربی محترم: به بهترین نقاشی در صورت امکان هدیه ای بدهد. نقاشی که در آن ارکان خانه و وظیفه نوجوان به تصویر
کشید.